



## سوره مبارکه بقره

جلسه بیستم: ۹۳/۱۰/۱۶

– ادامه آیات مربوط به انفاق، از جلسه گذشته:

– آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴: «انفاق» یکی از دستورات بسیار مهم اسلامی است که شکاف‌های ایجاد شده در جامعه به واسطه آن پر می‌شود. انفاق عامل بسیار مهمی در عدم ایجاد «نفاق» در جامعه است. «نفاق‌هایی» که در جامعه به وجود می‌آید و جامعه را به چالش می‌کشاند، «انفاق» آنها را می‌پوشاند.

– مهم‌ترین شکل و مصداق انفاق، شکل مالی آن است، شکل مالی جایگاه ویژه‌ای دارد که نباید به راحتی از آن گذر کرد. «انفاق»، در لحظات خاص و سربزنگاه شکاف‌های انسان‌ها را شکار و آنها را پر می‌کند. یعنی زمان‌هایی که افراد به خاطر مشکلات اقتصادی ممکن است به کفرگویی بيفتند و یا عدم اطمینانی در آنها ایجاد شود، «انفاق» به داد آنها می‌رسد و زمینه سستی و یا انحراف را در آنها از بین می‌برد. به همین دلیل است که شکاف‌ها را پر می‌کند.

– شکل انفاق از همه واضح‌تر در حکومت دینی نشان داده می‌شود. جامعه‌ای که جنگ داشته و تعداد زیادی از مردان خود را از دست داده است و شکاف‌های مالی و فرهنگی بسیاری در خانواده‌ها حاکم است، کمک‌هایی که به صورت انفاق به این خانواده‌ها می‌رسد، باعث می‌شود آدم‌ها نشکنند.

– «انفاق» لحظاتی سخت را که امکان شکستن آدم‌ها وجود دارد پر می‌کند، به همین دلیل «صدقه» را نیز «انفاق» گویند، لذا هزینه کردن آن نیز احتیاج به هنرمندی و توجه و تدبیر دارد.

– «انفاق» جایی است که حواسمان هست بغل دستی ما در حال شکستن است لذا با انفاق از شکستن او جلوگیری می‌کند.

– چون فرد با انفاقش مواظب است تا دوگانگی‌ها پیش نیاید، لذا «انفاق» را نقطه مقابل «نفاق» می‌دانند. پس کمک‌های مالی عمومی را نیز می‌توان انفاق محسوب کرد اما برای انفاق، شأن اجتماعی ویژه‌ای باید قائل شد. هرچقدر توجه، فراست، تدبیر و دقت ما به اطراف بالاتر رود، قدرت ما در انفاق بیشتر خواهد شد.

– نکته: به فقرا گفته شده است که فقرتان را داد نزنید و «عفاف» داشته باشید، اما مؤمنین هم نباید بی‌خیال باشند و فقرا را فراموش کنند.

– «انفاق»، دقت نظر و ظرافت بینی می‌خواهد. نیاز به توجه، تأمل، فراست و دقت نظر دارد. موضوع انفاق را اجتماعی و کارساز بینیم زیرا «انفاق» باعث می‌شود تردیدها و کفرگویی در فرد به وجود نیاید.

– نکته: اگر در جامعه‌ای مواردی مانند تکدی‌گری وجود دارد نباید به جریان تکدی‌گری کمک کنیم. باید حواسمان باشد خیلی از اوقات به خاطر دلسوزی نادرست ما، جریان‌های غلطی مانند کسب درآمد از طریق تکدی‌گری، ایجاد می‌شود که بسیار خانمان سوزتر از رد کردن یک سائل و کمک نکردن به او در سرچهارراه‌هاست. البته برای اینکه زلالی نفس خود را نگه داریم و دچار قساوت نشویم، می‌توانیم هرگاه گدایی جلوی ما را می‌گیرد به او پولی ندهیم، اما همان پول را در صندوق صدقه بیندازیم.

- آیه ۲۶۲: «انفاق» می‌تواند از ابتدا به خاطر «ریا» باشد. اما مؤمن کاری را برای «ریا» نمی‌کند. البته برای مؤمن خطر ریا، وجود دارد زیرا عده‌ای هستند که در ابتدا با خلوص، انفاق می‌کنند اما در ادامه این انفاق را به «اذیت و منت» تبدیل می‌کنند. شیطان در منصرف کردن انسان‌ها از مسیر حق، در ادامه مسیر بسیار فعالیت می‌کند. (توجه: منظور از شیطان، فقط ابلیس نیست بلکه منظور شیاطین جن و انس و نفس اماره نیز هست).
- دقت: شروع کار فقط مهم نیست بلکه ادامه تا انتها نیز مهم است و باید مراقب امتداد کارهایمان هم باشیم. شیطان در کمین است تا انسان را منحرف کند.
- نکته: «استغفار و توبه» در هر حالتی می‌تواند جبران کند لذا اگر بعد از انفاق، خلوص از بین رفت و دچار منت و اذیت شدید می‌توانیم با استغفار و توبه آن را جبران کنیم.
- آیه ۲۶۳: خیلی از اوقات انسان بنا بر دلایل مختلف نمی‌تواند انفاق کند، اما وقتی سائلی به او مراجعه کرد، می‌تواند «قول معروف و مغفرت» داشته باشد. یعنی می‌تواند او را امیدوار کند، دعا کند، سیاه نمایی نکند، دیگران را به انفاق تشویق کند و ...
- توجه: صدقه و انفاق در مصداق یکی هستند اما، «صدقه» از باب اثبات صدق است و «انفاق» نمی‌گذارد شکستن پیش آید.
- «انفاق و صدقه» از نظر حضرت علامه طباطبایی، عام هستند و شامل مجموعه واجبات و مستحبات مالی اسلام می‌شوند. یعنی خمس و زکات نیز انفاق هستند.
- اگر کمک نکنید و قول معروف داشته باشید بهتر است از اینکه کمک کنید اما منت و اذیت به دنبال داشته باشد.
- آیه ۲۶۴: این صدقات با «منت و اذیت» باطل می‌شوند.
- این کار شبیه کار آنهایی است که از ابتدا برای ریا کار می‌کنند. کسی که از ابتدا برای ریا انفاق می‌کند و چه کسی که در بین راه دچار ریا می‌شود، هر دو مواهب انفاق را از دست می‌دهند. درست مانند سنگی است که گردِ خاکی روی آن نشسته است که نه تنها از آن انتظار باروری ندارید بلکه با اولین باد، گرد و خاک آن بلند می‌شود. انفاق از روی ریا و یا انفاق با منت و اذیت، آخر و عاقبتش این‌گونه است.
- آیه ۲۶۵: ولی کسانی که از ابتدا به خاطر رضای خدا انفاق کنند و تا آخر نیز نیتشان را حفظ کنند، مثلشان مانند باغی است بر بلندای تپه و کوهی که هرچه باران به آن می‌خورد، میوه‌اش بیشتر می‌شود. فقط خدا می‌داند این ماجرا چه قدر عمق دارد و چه قدر از ابتدا نیت‌ها خالص بوده و تا انتها هم چه قدر خالص خواهد ماند. خدا به تمام منویات درونی ما واقف است.
- آیه ۲۶۶: ممکن است بپندارید که اگر فردی باغ نداشته باشد، چه اشکالی دارد؟ خدا می‌گوید: آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از نخلستان و انگور داشته باشد که در آن نهرها جاری است و انواع و اقسام ثمرات هم در آن است در حالی که در دوران پیری است و ذریه‌ای هم دارد که محتاج آن باغ هستند، آنگاه باد توفنده‌ای آید و کل باغ را از بین ببرد؟ همان‌طور که انفاق سر بزنگاه به داد آدم‌ها می‌رسد، منت و اذیت نیز سر بزنگاه ثمرات انفاق را از زندگی انسان بیرون می‌کشد. روی این نکته فکر کنید و این فکر کردن باید باعث شود که انسان به این سخنان التزام پیدا کند. (لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ)
- نکته: نوعاً افراد می‌پندارند که بی‌نیاز از یاری شدن هستند لذا اگر انفاق نکنند و به یاری دیگران نشتابند، خودشان همیشه بی‌نیاز بوده و هیچ‌گاه نیاز به یاری دیگران پیدا نخواهند کرد.

- در روایت آمده که اگر پولی را باید انفاق کنیم ولی انفاق نکنیم یعنی آن پول از طریق انفاق از زندگیمان بیرون نرفت، در اثر ابتلائات بیرون می‌رود.

- آیه ۲۶۷: اگر انفاق می‌خواهید کنید از «طیبات» انفاق کنید.

- توجه: طیبات یعنی قسمت پاکیزه‌ای که خود ما هم نسبت به آن میل داریم.

- از آن چیزی که باید اغماض کنید و خوب نیستند، نبخشید. یعنی اموال معیوب و ناپاک ندهید. (وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ)

## زنگ دوم:

آیه ۲۶۸: اینکه انسان هنگام انفاق بگوید «اگر ببخشم خودم چه می‌شوم و یا اگر خودم فقیر شوم چه کنم؟؟ و ...». اینها همه وعده‌های شیطانی است.

- شیطان بسیاری از جاها که می‌خواهد فحشا راه بیندازد جلوی انفاق را می‌گیرد، این‌گونه که در جامعه، زمینه عدم انفاق را ایجاد می‌کند لذا در جامعه شکاف‌هایی حاصل از عدم انفاق ایجاد می‌شود سپس تردیدها و نگرانی‌ها و عدم امنیت‌هایی در جامعه به وجود می‌آید که کم‌کم آدم‌ها را به فحشا سوق می‌دهد.

- فحشا عملی است که همه به پلیدی آن واقفاند و آن را زشت می‌دانند.

- وقتی جامعه چیزی را انجام می‌دهد که همه آن را زشت می‌دانند (فحشاء) علتش این است که از فشارها و عدم امنیت‌ها و ... خسته است. چنین جامعه‌ای اعتمادش را از دست داده و در باورهایش تردید کرده است.

- توجه: اگر کسی ایمانش را از دست داد و مرتکب فحشا شد، در پیشگاه خدا نمی‌تواند بگوید: «خدایا، فقیر بودم به خاطر همین مجبور به فحشا شدم». یعنی این آیه نمی‌خواهد به کسی که مرتکب فحشاء شده است حق بدهد بلکه می‌خواهد یک حقیقت اجتماعی را تبیین کند. می‌خواهد تبیین کند که وقتی در جامعه فقر وارد می‌شود زمینه آسیب‌های اجتماعی زیاد می‌شود.

- مقام معظم رهبری ابتدای سال ۹۳ توصیه کردند که حوزه فرهنگ مهم‌تر از اقتصاد است ولی یکی از دلایل مهم اینکه چند سال است که شعار جامعه حول اقتصاد می‌گردد، یکی از دلایل مهمش چنین چیزی است. یعنی اگر بستر اقتصادی جامعه به نزاهت و سلامتی نرسد، فضا برای اتفاقات و فعالیت‌های فرهنگی مهیا نیست. لذا بستر اقتصاد در مؤثر بودن فرهنگ بسیار نقش دارد. بنابراین اصلاح ساختارهای اقتصاد، یک اتفاق کاملاً فرهنگی است. فرهنگ برای اینکه محقق شود نیازمند به اقتصاد است. لذا نوعاً انبیاء وقتی وارد جامعه‌ای می‌شدند، یکی از کارهایی که ابتدا انجام می‌دادند این بود که مشکلات معیشتی مردم را حل می‌کردند. وقتی مشکلات معیشتی کسی حل شود، فرصت می‌کند به بیرون از دغدغه‌های مرسومش نیز بیندیشد. در این صورت کسی که مشکلات معیشتی او را حل کرده بود، برای آن فرد مهم می‌شد.

- در نقشه‌کشی برای اصلاح یک جامعه، زمینه‌سازی اقتصادی برای زمینه‌سازی‌های فرهنگی بسیار مهم است. به همین علت، عمران و آبادانی شهرها، رسالت اولیای الهی معرفی شده است.

- نکته: باید بیش از اینکه خوشحالیم که در جلسه‌ای نشستیم و عده‌ای وارد آن می‌شوند و قرآن یاد می‌گیرند، باید از این خوشحال شویم که جایی برویم که تعدادی نیاز به آموزش قرآن دارند یعنی ما سراغ آنها می‌رویم. یعنی در حالت دوم باید بیشتر حس انفاق داشته باشیم نه در وضعیت اول. فاضل دینی، خودش را نیازمند مستمع می‌داند نه اینکه مستمع خودش را نیازمند آن فاضل بداند.

- وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: باید در برابر شیطان وعده خدا را به مغفرت و فضل، باور داشته باشیم.

- آیه ۲۶۹: آمدن این آیه در بین آیات انفاق، می‌تواند چند وجه داشته باشد:

۱- موضوعات انفاق، مسائل اقتصادی، اجتماعی و ... موضوعات پیچیده‌ای هستند و نیازمند حکمت در درون آدم‌هاست و اگر خداوند به کسی حکمت دهد، «خیر کثیر» داده است.

۲- حال که صحبت از بخشش و انفاق است بهترین چیزی که می‌توانید فقیرش باشید و یا آن را داشته باشید و آن را انفاق کنید، «حکمت» است. یعنی بهترین چیزی که انسان می‌تواند در این عالم آن را به دیگران بدهد حکمت است.

- حکمت «خیر کثیر است و همه چیز اعم از اقتصاد، فرهنگ، غنی بودن، جامعه و حکومت دینی و ... را با خود می‌آورد. گمشده مؤمن، «حکمت» است.

- «انفاق کردن حکمت» یعنی اینکه هنگام انفاق کردن توجه کند به اینکه به آدم‌ها «حکمت» منتقل شود. یعنی فقط نیاز انسان‌ها را نمی‌خواهد برطرف کند بلکه نیاز به انضمام معرفت را می‌خواهد برطرف کند.

- برای حکمت چند معنی شده است. تعاریف حکمت در کتاب «فرآیندشناسی حکمت» آمده است. یکی از آن معانی عبارت است از: ❖ علم و قدرت به کار بستن علم را «حکمت» گویند.

- انفاق لازم است همراه با حکمت باشد و البته انفاق، زمینه به حکمت رسیدن را نیز زیاد می‌کند.

- وَمَا يَدْرَأُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ: برای حکمت پیدا کردن انسان باید «اولوالالباب» شود. رسیدن به حکمت چیز کمی نیست اگر به کسی حکمت داده شود او «لقمان» یا «سلمان» می‌گردد.

- رسیدن به حکمت، غایت असوای مسیر زندگی انسان‌هاست.

- مسیر تحقق حکمت در انسان، «بلوغ لیبی» است. یعنی مسیر «اولوالالباب» شدن است و اولوالالباب شدن، مسیر به حکمت رسیدن است.

- توجه: حکمت «عطا شدنی» است و فقط خدا می‌تواند آن را به کسی عطا کند یعنی اکتسابی نیست ما فقط می‌توانیم زمینه به حکمت رسیدن را فراهم کنیم.

- آیه ۲۷۰: انسان‌ها می‌پندارند که بی‌نیاز از یاری شدن هستند لذا باید بدانند که باید کمک کنند تا هنگام نیاز هم کسی به آنها کمک کند.

- در این آیه منظور از «ظالمین» کسانی هستند که انفاق نمی‌کنند. برای ظالمین نصرت وجود ندارد.

- واژه «ظلم» دارای مراتب است. در بعضی از جاها خدا می‌گوید: اگر توبه کنید، من می‌بخشم. اما بعضی از ظلم‌ها هستند که چنان آثار اجتماعی مخرب دارند که در دایره کارهایی که خدا بعد از توبه آنها را می‌بخشد، قرار نمی‌گیرند. انفاق نکردن از جمله این گناهان است.

- نکته: «نصرت» در قرآن واژه‌ای کاملاً معنوی و مثبت است.

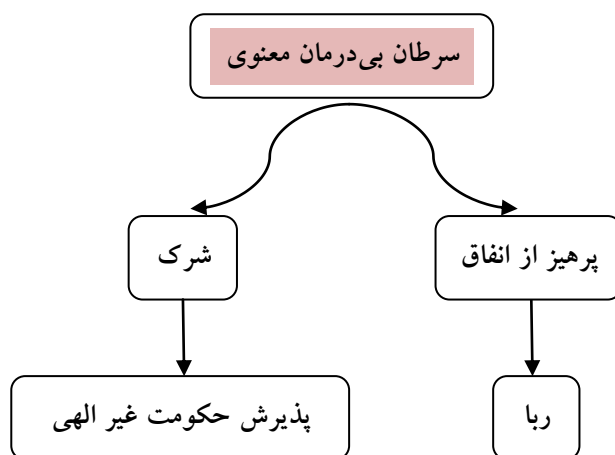
- بعضی از کارها مشمول بخشش خدا نمی‌شود لذا فرد باید آن کار یا صفت را کاملاً کنار بگذارد تا مشمول شفاعت و یا رحمت خدا شود. انفاق نکردن باید کنار گذاشته شود و فرد انفاق کند تا بخشیده شود. «شرک» نیز این‌گونه است.

- توجه: بعضی از کارها مانند عدم انفاق و شرک توفیق توبه کردن را از انسان می‌گیرد. اینکه در جامعه انفاق انجام نمی‌گیرد یعنی در جامعه باعث پراکنش نفاق هستند. این گناه اصلاً کوچک نیست که بخواهد بخشیده شود.

- حضرت علامه طباطبایی معتقد هستند که دو سرطان بی‌درمان معنوی وجود دارد که عبارتند از: ۱- پرهیز از نفاق ۲- شرک. این دو

در جامعه به دو مدل تبدیل می‌شوند. پرهیز از انفاق به «ربا» تبدیل می‌شود و شرک تبدیل به «پذیرش حکومت غیر الهی» می‌شود.

- «پرهیز از نفاق»، جنس بروز اجتماعی‌اش «ربا» است. اینها دو روی یکدیگر هستند زیرا «ربا» یعنی سود کردن بدون هزینه کردن و «انفاق» یعنی سود کردن بدون هزینه کردن.



- پرهیز از انفاق و ربا دو روی یک سکه هستند.

این دو منطقاً مخالف هم هستند.

{ «ربا» یعنی سود کردن، بدون هزینه کردن  
«انفاق» یعنی سود کردن، بدون هزینه کردن

- از نظر حضرت علامه طباطبایی با مطالعه قرآن درمی‌یابیم که شنیع‌تر از «انفاق نکردن» و «شرک» در نزد خدا وجود ندارد. این دو یعنی محاربه با خدا. از این دو صفت در عالم هستی سخت‌تر و بدتر وجود ندارد.

- آیه ۲۷۱: «انفاق» دو گونه است، علنی و پنهانی و هر کدام خواص خودشان را دارند. «انفاق آشکار» مفید برای فرهنگ‌سازی و جریان‌سازی این ماجراست و «انفاق پنهانی» مفید برای اخلاص است. باید به اقتضای شرایط بین این دو انتخاب کنیم.

- انفاق پنهانی چون مفید برای اخلاص است ذاتاً یک درجه به خیر نزدیک‌تر از انفاق آشکار است اما بعضی از جاها هم انفاق علنی لازم است زیرا جامعه باید بفهمد که به چنین سیستمی نیاز دارد.

- آیه ۲۷۲: پیامبر (ص) بعد از شنیدن آیات بالا نگران شدند که این سطح از انفاق به علت بلندی، در جامعه انفاق نمی‌افتد. خدا گفت: پیامبر نگران نباش ما جامعه و افراد را برای رسیدن به چنین سطحی از انفاق، یاری می‌کنیم. خدا اقتضاء و زمینه‌هدایت جامعه را فراهم می‌کند. نکند خدایی نکرده، بزرگی باطل را مشاهده کنید و فکر کنید که از «حق» بزرگ‌تر است. جریان هدایت می‌تواند طوفان‌های عجیبی راه بیندازد. به قدرت حق اعتماد داشته باشید. اگر با کوهی از باطل مواجه شدید و نگران شدید که مگر می‌توان این باطل را جابه‌جا کرد، اصلاً نگران نباید و قدرت بی‌نظیر حق ایمان داشته باشید زیرا «حق»، آسمانی است و اصلاً زمینی نیست لذا اراده کند، کوه باطل را جابه‌جا می‌کند. به برکت آدم‌هایی که حق را پیروی می‌کنند «حق» وقتی وارد صحنه شده، طوفان به پا می‌کند. - از انجام مسیر حق نباید دلزده و خسته شوید. تحت تأثیر وسوسه‌های شیطان و آیه یأس خواندن‌هایش قرار نگیرید.

- نگران کم بودن تعداد افراد در مسیر حق نباشید، بارها و بارها در طول تاریخ مشاهده شده است که تعداد بسیار کمی که در مسیر حق بوده‌اند کارهایی بسیار بزرگ انجام داده‌اند. ۷۲ نفر در واقعه کربلا، ورق تاریخ را برگرداندند.

- کسی که انفاق می‌کند ابتدا خیرش به فردی که انفاق کرده می‌رسد و فکر نکنید فقط به دیگران خیر می‌رسد. روایت داریم صدقه قبل از اینکه به دست نیازمند برسد، نزد خدا می‌رود و خیرش به دهنده می‌رسد.

- وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظَلَمُونَ: انفاق انجام ندهید مگر برای ابتغاء وجه الله. انفاق برای هر دلیل دیگری، کمال انفاق نیست. اگر می‌خواهید انفاق بالا برود، فقط به خاطر ابتغاء وجه خدا انفاق کنید.

- انسان اگر انفاق کند به خودش برمی‌گردد و دیگر به آدم ظلم نمی‌شود.

- آیه ۲۷۳: «انفاق» باید در مورد فقیری صورت گیرد که در مسیر خدا درمانده و زمین‌گیر شده و نمی‌تواند حرکت کند. البته خدا کند که انسان اگر فقیر هم می‌شود، «ادب» فقیر شدن داشته باشد. فقیر باید «عفاف» داشته باشد. برای خدا مهم است که بنده فقرش را عیان نکند. فقر یک موضوع خصوصی بین بنده و خداست. عده‌ای هم در جامعه هستند که با فراست و ظرافت تمام، می‌گردند و می‌بینند اگر کسی مشکل دارد، مشکلش را حل کنند. می‌فهمند جایی از ماجرا لنگ می‌زند.

- ممکن است کسی چنان فقیر شود که صبرش لبریز شود و نتواند تحمل کند و فقرش را به زبان آورد، اما نباید به اصرار بیفتد.

- آیه ۲۷۴: کسانی که در شب و روز، پنهانی و آشکارا انفاق می‌کنند، اجرشان با خداست. خدا خوف و حزن را از قلبشان برمی‌دارد. - منظور از انفاق در شب و روز یعنی انفاق کار دائمی آنهاست. سیره آنها انفاق کردن است. اجر آنها با خداست. خدا خوف و حزن را از قلب این افراد برمی‌دارد. می‌توان گفت: یکی از راه‌های درمان افسردگی، انفاق کردن است.

- انشاءالله خدا به ما توفیق دهد به برکت سوره مبارکه بقره و آیات انفاق، اسم ما را جزء منفقین و انفاق کنندگان حقیقی ثبت کند.

- انفاق‌های ما را از هر اذیت و منّتی خالی کنند.

- قول معروف و مغفرت به ما عطا کنند که جاهایی که نمی‌توانیم انفاق کنیم، مردم را با قول معروفمان به سمت حقیقت، معرفت، معنویت و امید راهنما شویم.

- انشاءالله ریشه‌ریا را از ما بگیرند که همه کارهایمان فقط برای «ابتغاء وجه رب» باشد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين